



۲۰۱۸/۱۰/۲۳

ملک الشعراء محمد نسیم اسیر

برق سوزنده!!



اینک باز از لابلای ورقپاره ها خاطره ای از پرهیجان ترین مظاهره در شهر کابل را که پوره شست و پنج سال پیش برضد تجاوز پاکستان در سرحدات جنوبی به راه افتاده بود انتخاب و با پیشگفتار آن تقدیم می کنم:

دولت پاکستان از بدو تأسیس تا امروز، با پیروی از سیاست منحوس برتانیه، با ما حسن نیت نداشته و همیشه کوشیده است با ایجاد ناآرامی ها، موانع سیاسی و اقتصادی برای ما ایجاد کرده و به شکلی از اشکال، بر ما نفوذ داشته باشد.

در برج دلو سال ۱۳۳۲ ش، در اثر حمله طیارات پاکستان در یکی از سرحدات جنوبی، مظاهره های وسیع و گسترده در سراسر افغانستان از جمله در کابل برضد پاکستان به راه افتاد.

حرکت قبل از ظهر ۱۱ دلو از مقابل سینمای کابل شروع و با عبور از تمام جاده های شهر، به مقابل سفارت پاکستان، در چارراهی ملک اصغر، با حمله به سفارت و از هم دریدن بیرق پاکستان پایان یافت.

من که جزئی ازین سیل خروشان و پر هیجان علیه دشمن بودم، عندالموقع به تشویق دوستان صحبت نموده و بدهتاً دو سه بیٹی برابر با احساسات گرم اشتراک کنندگان سرودم که بعداً با افزودن چند بیت منظومه ای شد و اینک بعد از شست و پنج سال، از نظر تان می گذرد:

برقم و سوختن شعار من است	شعله ام، یک نفس به کار من است
تیغ پر جوهرم، ولی به نیام	در قعودم بود هزار قیام
من ز الماس هم برنده ترم	از بد و نیک خویش باخبرم
خنجر آبدار پُرخونم	صیقل چهره های مظنونم
ساز پرسوز و پر اثر دارم	سینه پاره تا جگر دارم

آیت رزم و مرد با عزم
دست کوتاه زیر دامانم
خاک من ارزش گهر دارد
چقدر سینه ها شکافته ام
در نشییم بود هزار فراز
زور خود آزموده ام به خدا
مشعل تابناک دورانم
بانگ پرماجرای قافله ام
سلی ام چهره ها نموده کبود

ره ندادند مفت در بزم
دیده تیز بین و برانم
بحر از راز من خبر دارد
رمز مردی تپیده، یافته ام
بخت محمودم از وجود ایاز
چه بلایی که بوده ام به خدا
قطره پرشرار طوفانم
همنوی درای قافله ام
پیشم انگلیس خم شده به سجود

من کی ام؟ پور شیرمردانم

به خدا همچو برق سوزانم



م. نسیم «اسیر» ۱۱ دلو ۳۲ ش، کابل عزیز

برق سوزنده

Assir_nacim_barq_e_sozenia.pdf